

بررسی نقش میانجی گر سرسختی روانشناختی در ارتباط بین سبک‌های کنترل تعارض و طلاق عاطفی در زوجین
 ناهید عظیمی^۱، سعیده سادات حسینی^۲، مختار عارفی^۳، شیمیا پرندین^۴

Identifying the role of cognitive stubbornness interface in conflict and emotional divorce control methods for couples

Nahid Azimi¹, Saeedeh Sadat Hosseini², Mokhtar Arefi³, Shima Parandin⁴

چکیده

زمینه: طلاق عاطفی و تعارضات زناشویی خطرناک‌ترین عوامل در اختلافات زناشویی به حساب می‌آیند. همچنین سرسختی روانشناختی از مؤلفه‌های مهم شخصیت و تعیین‌کننده آسیب‌پذیری در مقابل تنیدگی و مشکلات خانوادگی است. لذا مسأله تحقیق حاضر این است که آیا سرسختی روانشناختی قادر است نقشی میانجی گر را در ارتباط بین سبک‌های کنترل تعارض و طلاق عاطفی ایفا کند؟ **هدف:** پژوهش بررسی نقش میانجی گر سرسختی روانشناختی در ارتباط بین سبک‌های کنترل تعارض و طلاق عاطفی در زوجین بود. **روش:** پژوهش از نوع همبستگی بود، جامعه آماری شامل کلیه زوجین دارای اختلاف زناشویی مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ بود. ۲۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری داوطلبانه و در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارتند از: پرسشنامه‌ی سخت‌رویی اهواز (۱۳۷۷)، پرسشنامه سبک‌های کنترل حل تعارض (موری و اشتراک، ۱۹۹۰) و آزمون طلاق عاطفی (رازقی، غباری بناب و مظاهری، ۱۳۸۷). تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون بارتلت و معادلات ساختاری انجام شد. **یافته‌ها:** نقش سرسختی روانشناختی در ارتباط با سبک‌های حل تعارض و طلاق عاطفی زوجین معنی‌دار است و بین سبک‌های کنترل تعارض و طلاق عاطفی زوجین، بین سبک‌های کنترل تعارض و سخت‌رویی و بین سخت‌رویی و طلاق عاطفی زوجین رابطه معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/01$). **نتیجه‌گیری:** می‌توان گفت زوجینی که از سرسختی روانشناختی و مهارت کنترل تعارض بالاتری برخوردارند طلاق عاطفی کمتری را تجربه می‌کنند. **واژه کلیدی‌ها:** سرسختی، سبک‌های کنترل تعارض، طلاق عاطفی، زوجین

Background: Emotional divorce and marital conflicts are the most risky factors in marital disputes. Also, psychological hardiness is an important component of personality and determines vulnerability to stress and family problems. Therefore, the question of the present study is whether psychological stubbornness can play a mediating role in the relationship between conflict control styles and emotional divorce? **Aims:** The purpose of this study was to investigate the mediating role of psychological hardiness in the relationship between conflict control styles and emotional divorce in couples. **Method:** The study was a correlational study. The statistical population consisted of all couples who had referred to counseling centers in Kermanshah in 1396. 200 people were selected by voluntary sampling and available as sample. Research tools are: Ahwaz Hardiness Questionnaire (1998), Conflict Resolution Control Style Questionnaire (Murray & Strauss, 1990) and Emotional Divorce Test (Razegi, Ghabari Bonab & Mazaheri, 2008). Data were analyzed using Bartlett test and structural equations. **Results:** The role of psychological stubbornness in relation to conflict resolution styles and emotional divorce of couples is significant. There is a significant relationship between emotional couple of ($p < 0/01$). **Conclusions:** It can be said that couples with higher psychological stiffness and conflict control skills experience less emotional divorce. **Key Words:** Hardiness, conflict control Styles, emotional divorce, couples

Corresponding Author: saeedeh2h@yahoo.com

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است.

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)
۳. استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
۴. استادیار، گروه روانشناسی، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران

پذیرش نهایی: ۹۸/۱۱/۲۰

دریافت: ۹۸/۰۹/۲۸

مقدمه

ازدواج مهمترین عرف و رسم معمول در تمام جوامع و فرهنگ‌ها می‌باشد که واجد شکل‌گیری و شکل‌دهی نزدیکترین فرآیندهای ارتباطی بین دو نفر و در نهایت تشکیل یک واحد اجتماعی به نام خانواده است خانواده، مؤلفه بسیار مهم و با ارزش در حیات انسان تلقی می‌گردد و یک نهاد اجتماعی است که پایه و اساس ارتباط انسانی را تشکیل می‌دهد (ارجمند سپاهپوش و پیرامون، ۱۳۹۳).

سلامت خانواده از چگونگی رابطه همسران تأثیر می‌پذیرد و رضایت زناشویی از پایه‌های پایداری رابطه است چون که وجود رضایت زناشویی کنار آمدن با تئیدگی و حل تعارض و بالارفتن تراز بهداشت روانی زوجین را آسان می‌سازد (پروندی، عارفی و مرادی، ۱۳۹۵). خانواده یک واحد اجتماعی است که بر پایه‌ی روابط انسانی شکل گرفته و بر اساس آن مرد و زن آزادانه و به صورت کامل خود را به یکدیگر می‌سپارند و از این طریق تشکل فعالی که خانواده نامیده می‌شود، می‌سازند (هاشمی و اصغری ابراهیم‌آباد، ۱۳۹۵). این نهاد اولین نهاد جامعه‌پذیر و کهن‌ترین هسته‌ی طبیعی، در همه‌ی جوامع انسانی از ابتدای تاریخ وجود داشته و بشر تاکنون نتوانسته است جایگزینی برای آن بیابد. این موضوع حضور همیشگی این نهاد اجتماعی و ضرورت وجودی آن را نشان می‌دهد. ازدواج مبنای شکل‌گیری خانواده و قطب مقابل آن طلاق است که سبب اضمحلال آن می‌شود. طلاق فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیشتری دارد (بهینه، ۱۳۹۳).

آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آمار بزرگتری به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد، یعنی به زندگی‌های خاموش و توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند (لطیفیان، عرشی و اقلیما، ۱۳۹۶). یکی از عوامل ایجاد کننده طلاق عاطفی در رابطه زناشویی تعارضات است. که در واقع نوعی کشمکش بر سر تصاحب پایگاه‌ها و منابع قدرت است و با حذف امتیازات دیگری و افزایش امتیازات خود بروز می‌کند. بدیهی است طرفین نزاع برآنند که به حریف خود آسیب برسانند و تاکتیک‌های او را خنثی کنند و بالاخره او را از صحنه بیرون کنند (صفایی راد و وارسته فر، ۱۳۹۰). در حقیقت توانایی برای مدیریت و حل تعارض‌ها به شکل سازنده‌ای می‌تواند یک ارتباط

قوی را در رابطه‌ی زوج شکل دهد و زوج‌ها را برای ایجاد یک رابطه‌ی صمیمی و نزدیک کمک کند (ساموئانو، ۲۰۱۳).

به طور کلی تعارض در زندگی زناشویی زمینه‌ساز بروز تئیدگی برای زوجین می‌شود و اگر فردی با وقایع به شدت تنش‌آور مواجه شود، برای سالم ماندن باید سرسخت باشد. سخت‌روی یک احساس عمومی است مبنی بر این که شرایط محیط ایده‌آل است و باعث می‌شود که انسان موقعیت‌های پر تنش را بالقوه، با معنی و جالب ببیند و به این صورت که آنها را به جای تجارب مختصر و کوچک به تجارب بزرگ و پیشرفته تبدیل می‌کند؛ به عبارتی می‌توان گفت سرسختی روانشناختی باعث می‌شود نه تنها زوجین در مواجهه با تعارضات بیشتر موقعیت‌های پیش روی خود را تهدید کننده و کنترل‌ناپذیر نبینند بلکه حتی در مواقعی که باید به فعالیت‌هایی دست بزنند که نسبت به آن رغبت ندارند، با استفاده از راهبردهایی آن فعالیت را به یک کار جالب و مثبت و فرصتی برای رشد و بالندگی تبدیل می‌کنند و از این راه می‌توانند شرایط را متناسب با ویژگی‌های خود سازگار نمایند (معین، غیائی و مسموعی، ۱۳۹۰).

افزایش طلاق عاطفی، به میزان درخور توجه و نگران کننده، یکی از مهمترین آسیب‌های اجتماعی است. امروزه احساس امنیت و آرامش در روابط صمیمانه بین زن و شوهر به سستی گراییده و خانواده به گونه‌ی فرآینده‌ای با نیروهای مخرب مواجه شده است. در حال حاضر، طلاق توجه بسیاری از اندیشمندان و کارشناسان مسائل اجتماعی را به خود جلب کرده است. مسلماً هر شرایطی که برای زنان به منزله کنش‌گران فعال، تأثیرگذار و البته تأثیرپذیر پیش آید، واکنش و پیامدهایی به همراه دارد که عواملی بسترساز این شرایط و پیامدها بوده اند. زنان با قرار گرفتن در این موقعیت در مقایسه با مردان، با تغییرات و چالش‌های مضاعفی در زندگی روبه‌رو می‌شوند که بدون شک بر خانواده و جامعه نیز آسیب‌های فراوانی وارد می‌کند؛ روابط فرا زناشویی، افزایش طلاق قانونی، خشونت و خودکشی از معضلات اجتماعی‌ای هستند که ممکن است در نتیجه طلاق عاطفی حاصل شود. با توجه به اهمیت انکارناپذیر نهاد خانواده در هر جامعه، بررسی چرایی، آسیب‌ها و شرایطی که فرد پس از طلاق تجربه می‌کند، مهم به نظر می‌رسد (افراسیابی و دهقانی دارامرود، ۱۳۹۵).

عمق صمیمیتی که افراد در رابطه خود ایجاد می‌کنند به میزان زیادی بستگی به توانایی آنان برای ارتباط دقیق، مؤثر و روشن با

بیشتر از آن که ناشی از عشق میان همسران باشد، ریشه در ویژگی‌های درونی فرد دارد (نادری، پورشهریار و شکری، ۱۳۹۴). پراجر، شیروانی، پوچر، کاوالین، ترانگ و گارسیا (۲۰۱۵) اظهار داشتند توانایی استفاده از عواطف مثبتی مانند شوخ طبعی یا علاقه هنگام تعارض، یک پیش‌بین مهم سلامت رابطه در آینده، رضایت و ثبات زناشویی است. گذشت رفتار مثبتی است که مهربانی، ملایمت و دلسوزی را در برابر رفتار آزارنده فرد دیگر می‌نشانند و تعارض‌ها را به سویی مثبت هدایت می‌کند (توسینت، ورسینگتون و ویلیامز، ۲۰۱۵).

ارتباطات مؤثر نیز نقش مهمی را در کیفیت زندگی زوجین بازی می‌کنند به طوری که لزوم آموزش این ارتباطات احساس می‌شود؛ به عبارتی ارتباطات موفق و مؤثر موجب کمال انسان و مبنای اولیه پیوند وی با دیگران و بهبود کیفیت روابط عاطفی افراد می‌شود (کرنلیز، السی و شوری، ۲۰۰۷). ارتباط دلبند زوجه این امکان را می‌دهد که با یکدیگر به بحث و تبادل نظر بپردازند. پژوهشگرانی که در مورد سبک‌های ارتباطی تحقیق می‌کنند به سه الگوی انتقاد - دفاع، کمرو - سلطه‌پذیر و مسلط - کنترل‌کننده دست یافته‌اند (دیباچی فروشانی و همکاران، ۱۳۸۸). یکی از متغیرهایی که به نظر می‌رسد در شکل‌گیری سبک‌های تعارض و طلاق عاطفی مؤثر باشد مفهوم سخت‌رویی است، در واقع سخت‌رویی به مثابه یک ویژگی شخصیتی، نگرش درونی خاصی را به وجود می‌آورد که شیوه رویارویی افراد با مسائل مختلف زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (عارفی و محسن‌زاده، ۱۳۹۱). این در حالی است که بسیاری از مردم رویارویی با حوادث زندگی را خسته‌کننده، ملال‌آور یا حتی تهدید آفرین تلقی می‌نمایند. افراد سرسخت نسبت به رویدادهای زندگی احساس کنترل بیشتری می‌نمایند و رویدادهای محیط را به گونه‌ای معنادار ارزیابی می‌کنند در حالی که افراد غیر سخت نسبت به رویدادهای زندگی دچار احساس از خود بیگانگی، ناتوانی و تهدید می‌گردند (سبزعلی‌زاده، بادامی و نزاکت‌الحسینی، ۱۳۹۳). اکبری (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی و سخت‌رویی روانشناختی در دانشجویان متقاضی طلاق رابطه وجود دارد و به عبارت دقیق‌تر بدنبال دلبستگی ایمن سخت‌رویی به وجود خواهد آمد. یقیناً چنین نگرشی در شیوه‌ی ارزیابی شناختی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند، لذا مسئله اصلی پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که آیا سخت‌رویی می‌تواند در ارتباط بین سبک‌های کنترل تعارض و

افکار، احساسات، نیازها، خواسته‌ها و تمایلاتشان دارد. بنابراین یادگیری چگونگی ارتباط کارآمد نخستین گام در فرآیند ایجاد یا افزایش صمیمیت در هر رابطه‌ای به شمار می‌رود و یادگیری ارتباط کارآمد، یک گام مهم در فرآیند ایجاد و افزایش صمیمیت است (اعتمادی، جابری، جزایری و احمدی، ۱۳۹۳).

گاهی همسران در ارتباط ناکارآمد هستند و احتیاج به یادگیری مهارت‌هایی در جهت ابراز عواطف با حل مؤثر مشکلات دارند. اگر چه تعاملات ناسازگارانه ممکن است ناشی از کمبود مهارت باشد، اما در بسیاری موارد اتفاق می‌افتد که همسران از عدم ارضای نیازهای خود ناامید شده‌اند (آماتو و استاچی، ۱۹۹۷). استیوارت (۲۰۱۲) بیان کرد که سبک روابط زوج‌ها بخصوص هنگامی که به تعارض می‌پردازند، می‌تواند در طول مدت ازدواج به عنوان شاخص قوی برای احساس رضایت‌مندی زوجین در ازدواج مطرح شود، وی همچنین اذعان کرد که طبقه‌بندی در زیر مجموعه‌ی تعارض از آنچه که آنها جروبحث می‌کنند، ناشی نمی‌شود بلکه از اینکه چطور وقتی جروبحث می‌کنند واکنش نشان می‌دهند، ناشی می‌شود. اختلاف و گفتگو طبیعی است و راهبردهای حل تعارض "CTS" تأثیر مثبتی بر روابط دارند. راهبردهای کلامی سازگارانه و مستقیم به زوج‌ها کمک می‌کند تا موضع‌گیری مثبتی داشته باشند احساسات و موقعیت‌ها را نشان دهند، در جستجوی موافقت طرف مقابل باشند، با هم بر روی مسائل به توافق برسند و به یکدیگر اعتماد کنند. در نتیجه آنها قادرند احساس موفقیت حاکی از تسلط بر مشکلات را به یاری هم و در حالی که در یک تیم قرار گرفته‌اند، تجربه کنند (دیباچی فروشانی، امامی پور و محمودی، ۱۳۸۸).

پژوهش‌ها تأکید دارند در ماندگی زناشویی و تعارض زناشویی مخرب، خطرناک‌ترین عوامل در بیشتر اختلالات و آسیب‌های روانشناختی به حساب می‌آیند. بخش گسترده‌ای از پژوهش‌ها به نقش ارتباط مؤثر به عنوان مؤلفه‌ای محوری در رضایت زناشویی پرداخته‌اند. رفتارهای ارتباطی و الگوهای تعاملی به طور روشنی با رضایت زناشویی مرتبطند. در واقع اگر زوج‌ها یاد بگیرند که چطور ارتباط مؤثر برقرار کنند، شانس بیشتری دارند که رضایت‌مندی را تجربه کنند (عارفی و محسن‌زاده، ۱۳۹۱). در پژوهش دیگری میانجی‌گری سبک‌های کنترل تعارض، در رابطه فضایل و رضایت زناشویی بررسی شد و نتایج نشان داد سبک‌های کنترل تعارض سازگار، در رابطه فضایل رضایت‌مندی میانجی‌گری می‌کنند. رضایت زناشویی

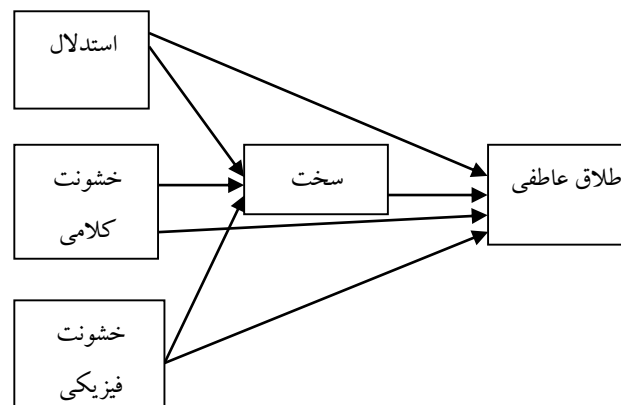
داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری و در نهایت برای تحلیل داده‌ها از آزمون بارتلت و معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ و نرم‌افزار مدل‌سازی Amos استفاده شد.

ابزار

پرسشنامه‌ی سخت‌رویی اهواز (۱۳۷۷): این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی مداد کاغذی است که دارای ۲۷ ماده می‌باشد. این آزمون یک نمره کل از سرسختی افراد می‌دهد و فاقد مؤلفه‌های تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی است. شیوه نمره گذاری این پرسشنامه ۲۷ ماده‌ای به این صورت است که آزمودنی‌ها به یکی از چهار گزینه‌ی هر گز، بندرت، گاهی اوقات و اغلب اوقات پاسخ گفته و بر اساس مقادیر ۰، ۱، ۲، ۳ نمره گذاری می‌شود. بجز ماده‌های ۲۱، ۱۷، ۱۳، ۱۰، ۷، ۶ که در این پرسشنامه نشان دهنده سرسختی روانشناختی بالا در افراد است. نجاریان و همکاران برای سنجش درستی مقیاس AHI از دو روش باز آزمایی و همسانی درونی استفاده کرده است. ضریب همبستگی بین آزمون و آزمون مجدد با فاصله زمانی ۶ هفته در نمونه ۱۱۹ نفری برای آزمودنی‌های دختر و پسر به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۵ گزارش شد و در روش همسانی درونی پرسشنامه سرسختی روانشناختی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید که برای کل آزمودنی‌ها ۰/۷۶ بدست آمد که کاملاً ضریب قابل قبولی می‌باشد. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه سخت‌رویی در کل نمونه بدست آمد. در زمینه اعتبار یابی آزمون مزبور از روش اعتبار ملاکی همزمان استفاده نمود و این پرسشنامه را همزمان با چهار پرسشنامه اضطراب عمومی ANQ، پرسشنامه افسردگی اهواز ADI، پرسشنامه خود شکوفایی مازلو MASAI و مقیاس سازه‌ای سرسختی به دو روش تصنیف و آلفای کرونباخ به کار برد که ضریب همبستگی بین نمره‌های کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۵۵، ۰/۷۰ و ۰/۴۴ که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همچنین ضریب همبستگی خود شکوفایی ۰/۶۵ بوده است. بین اعتبار سازه‌ای سرسختی و مقیاس سرسختی همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار بود. بنابر این با توجه به استاندارد بودن پرسشنامه و تحقیقات فراوانی که درباره آزمون سخت‌رویی صورت گرفته، همگی از اعتبار بالای این آزمون حکایت می‌کند و نشان می‌دهد که یکی از بهترین ابزارهای سنجش سرسختی در افراد می‌باشد.

طلاق عاطفی در زوجین شهر کرمانشاه به طور معنی‌داری تأثیر گذار باشد؟

در زیر مدل مفروض در پژوهش حاضر آمده است که همان طور که مشاهده می‌شود روابط بین کلیه متغیرها با نقش واسطه‌ای سخت‌رویی نشان داده شده است:



شکل ۱. مدل مفروض رابطه بین متغیرها با توجه به فرضیه‌های پژوهش

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی و از نوع زمینه‌یابی و همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوجین شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ به مراکز مشاوره مراجعه کرده‌اند، بود. نمونه آماری این پژوهش ۲۰۰ نفر از زوجین (۱۰۰ زوج) که دارای اختلاف زناشویی بودند و به مراکز مشاوره و کلینک‌های روانشناختی شهر کرمانشاه مراجعه کرده بودند با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و داوطلبانه به عنوان نمونه انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش عبارت بود از، رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش - داشتن سواد خواندن و نوشتن داشتن حداقل دو سال زندگی مشترک، ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و اقدام حقوقی برای طلاق بود. روش اجرا بدین ترتیب بود که بعد از هماهنگی لازم با سازمان نظارت مشاوره و روانشناسی و بهزیستی شهر کرمانشاه فراخوانی به جهت انجام پژوهش داده شد و زوجینی که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند اعلام آمادگی کردند، پس از مشخص شدن نمونه پژوهش پرسشنامه‌های پژوهش در میان آزمودنی‌ها توزیع شد و پژوهشگر توضیحاتی در مورد چگونگی تکمیل پرسشنامه‌ها به آزمودنی‌ها داد. به منظور رعایت اصول اخلاقی در مورد محرمانه بودن اطلاعات به نمونه‌های پژوهش اطمینان داده شد. بدین ترتیب

بدست آورند طلاق عاطفی بیشتری احساس می‌کنند. برای بررسی سازه‌آزمون از مدل تحلیل آماری با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی استفاده شد و با توجه به اینکه مقیاس موازی برای بررسی و محاسبه روایی ملاکی این مقیاس تدوین شده در پرسشنامه در دست نبوده است، برای تعیین روایی این مقیاس نیز از روش تحلیل عاملی استفاده شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب برای پرسشنامه ۰/۹۰ برآورد شد.

روش اجرای پژوهش: پس از تنظیم پرسشنامه‌ها و انتخاب آزمودنی‌ها، پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار زوجین قرار گرفت سپس توضیحات لازم از سوی پژوهشگر در مورد نحوه تکمیل پرسشنامه‌ها به آنها ارائه شد. از آزمودنی‌ها خواسته شد اگر در فرآیند تکمیل پرسشنامه با مشکلی مواجه شدند از پژوهشگر درخواست توضیح بیشتری داشته باشند. زوجین انتخاب شده پس از اعلام رضایت جهت شرکت در پژوهش و دریافت تضمین لازم مبنی بر اینکه اطلاعات آنها محرمانه باقی خواهد ماند، اقدام به تکمیل پرسشنامه‌ها نمودند. پس از تکمیل پرسشنامه توسط آزمودنی‌ها، پرسشنامه‌های پژوهش جمع‌آوری گردید. در مرحله بعدی، پرسشنامه‌ها نمره‌گذاری شدند و داده‌ها جهت تجزیه و تحلیل آماری در نرم‌افزار SPSS و نرم‌افزار مدل‌سازی Amos وارد شدند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان داد اکثر آزمودنی‌ها یعنی ۱۶۷ نفر معادل ۸۳/۵ درصد از کل آزمودنی‌ها بالای ۳۰ سال سن دارند و از طرفی کمترین سن مربوط به بازه سنی ۱۸ تا ۲۲ سال است که فقط ۲/۵ درصد از کل آزمودنی‌ها را تشکیل داده است. اکثر آزمودنی‌ها یعنی ۷۵ نفر معادل ۳۷/۵ درصد از کل آزمودنی‌ها در مقطع تحصیلی لیسانس قرار دارند و از طرفی کمترین مقدار مربوط است به مقطع تحصیلی فوق دیپلم، که ۳۵ نفر معادل ۱۷/۵ درصد از کل آزمودنی‌ها تشکیل داده است.

در جدول زیر مشاهده می‌شود میانگین نمره استدلال در متغیرهای حل تعارض ۱۱/۲۹ با انحراف معیار ۳/۸۳ بیش از سایر متغیرها یعنی خشونت کلامی و خشونت فیزیکی بدست آمده است همچنین مشاهده می‌شود نمره سرسختی با میانگین ۸۱/۴۱ و انحراف معیار ۱۶/۸۱ بدست آمده است و از طرفی نمره طلاق عاطفی با میانگین

پرسشنامه سبک‌های کنترل حل تعارض^۱: مقیاس سبک‌های، یک ابزار ۱۵ سؤالی است که برای سنجش سه تاکتیک حل تعارض (استدلال، خشونت کلامی و خشونت فیزیکی) بین اعضای خانواده توسط موری و اشتراس در ۱۹۹۰ تدوین شده است. پرسش‌های مقیاس الگوهای حل تعارض گویای رفتارهایی است که فرد در شرایط تعارض با اعضای خانواده به آنها دست می‌زند و نمرات آن تعداد دفعاتی است که رفتار مورد نظر در سال گذشته رخ داده است. پاسخ دهنده تعداد دفعات بروز هر رفتار توسط خودش را ارزیابی می‌کند. نمرات مزن بودن الگوهای تعارض که کاربرد بالینی دارد، با جمع نمرات پرسش‌ها به دست می‌آید. نمرات زیر مقیاس (استدلال) در هر یک از مقیاس‌های (الگوهای تعارض) از پرسش‌های A تا E به دست می‌آید. نمرات (پرخاشگری کلامی) با جمع پرسش‌های F تا J و (پرخاشگری فیزیکی) با جمع پرسش‌های K تا O به دست می‌آید. دامنه نمرات ۰ تا ۱۵ است که نمرات بالاتر به معنی استفاده بیشتر از یک تاکتیک بخصوص است. دامنه‌ی ۱۲ ضریب آلفا برای زیر مقیاس استدلال از ۰/۴۲ تا ۰/۷۶ است. برای زیرمقیاس پرخاشگری کلامی ۱۶ ضریب آلفا موجود است که دامنه‌ی آنها از ۰/۶۲ تا ۰/۸۸ است. برای زیر مقیاس پرخاشگری فیزیکی ۱۷ ضریب آلفا موجود است که دامنه‌ی آنها از ۰/۴۲ تا ۰/۹۶ است. قابلیت اعتماد تاکتیک‌های تعارض بارها مورد تأیید قرار گرفته است. اول از همه این که چندین کار تحقیقی ساختار عواملی استدلال، پرخاشگری کلامی پرخاشگری فیزیکی را تأیید می‌کنند. توافق اعضای مختلف خانواده در مورد تاکتیک‌های تعارض گواه بر قابلیت اعتماد همزمان است. همچنین اطلاعات زیادی درباره‌ی قابلیت اعتماد سازه در اختیار است که از آن جمله‌اند همبستگی بین نمرات (تاکتیک‌های تعارض) و عوامل ریسک خشونت خانواده، رفتارهای ضد اجتماعی کودکان قربانی، سطوح محبت بین اعضای خانواده و حرمت خود. قابلیت اعتماد محتوایی این مقیاس نیز مورد تأیید قرار گرفته است (بشارت زاده، ۱۳۸۴).

آزمون طلاق عاطفی: در این پژوهش از آزمون طلاق عاطفی رازقی استفاده شد. این پرسشنامه ۲۲ سؤال ۵ ارزشی (همیشه ۴، بیشتر اوقات ۳، بعضی اوقات ۲، به ندرت ۱، هرگز ۰) دارد. حداقل و حداکثر این آزمون بین ۰ تا ۸۸ بود. افرادی که نمره بالاتر از ۴۰

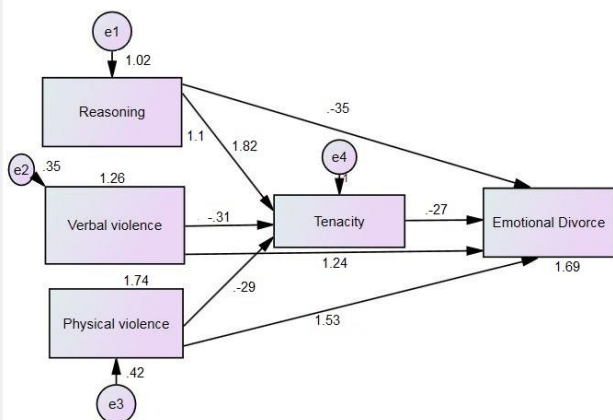
^۱. inventory control styles of conflict resolution

۴۹/۷۷ و انحراف معیار ۹/۳۱ بدست آمده است.

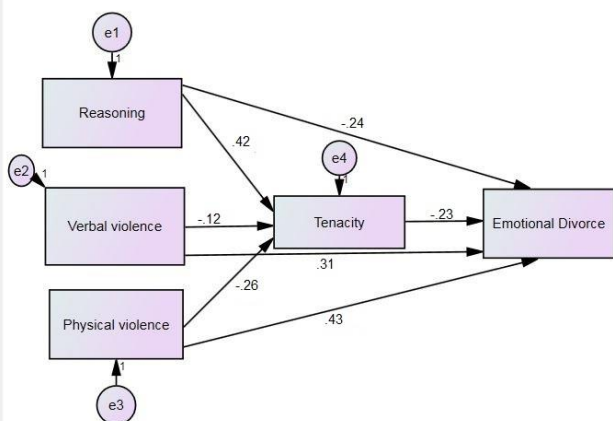
جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش			
تعداد	انحراف معیار	میانگین	
۲۰۰	۳/۸۳	۱۱/۲۹	استدلال
۲۰۰	۳/۳۵	۹/۸۱	خشونت کلامی
۲۰۰	۳/۸۷	۱۰/۲۷	خشونت فیزیکی
۲۰۰	۱۶/۸۱	۸۱/۴۱	سرسختی
۲۰۰	۹/۳۱	۷۷/۴۹	طلاق عاطفی

مشاهده شده برای هر متغیر است. اگر بار عاملی کمتر از ۰/۳ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته می شود. بارعاملی بین ۰/۳ تا ۰/۶ متوسط و اگر بزرگتر از ۰/۶ باشد خیلی مطلوب است. شاخص های برازش رایج در مدل های اندازه گیری برای متغیرهای تحقیق در زیر هر شکل ارائه شده است. در میان شاخص های برازش اگر نسبت کای دو به درجه آزادی کمتر از ۲ باشد مدل از برازش مناسبی برخوردار است. شاخص RMSEA کمتر از ۰/۰۵ مطلوب است. سایر شاخص ها نیز هر چقدر به یک نزدیک تر باشند مطلوب تر است. در ادامه اشکال مرتبط با این تحلیل ها ارائه می شود. خاطر نشان می شود که ارتباط بین خطاها در اشکال، برازش مدل را بالاتر برده است. این ارتباطات بر اساس شاخص اصلاح ارائه شده در نرم افزار AMOS ایجاد شده است. به این ترتیب که هرچه برای یک ارتباط، شاخص اصلاح بالاتری باشد، افزوده شدن آن ارتباط در مدل موجب بهتر شدن برازش آن می شود.

در زیر برازش مدل با ضرایب استاندارد و غیر استاندارد نشان داده شده است:



مدل برازش شده با ضرایب غیر استاندارد



مدل برازش شده با ضرایب استاندارد

بر اساس نتایج همبستگی بین استدلال و سرسختی ۰/۵۰۴، همبستگی بین استدلال و طلاق عاطفی ۰/۴۳۸-، همبستگی بین خشونت کلامی و سرسختی ۰/۲۰۰- و همبستگی بین خشونت کلامی و طلاق عاطفی ۰/۳۰۱ و در خشونت فیزیکی مشاهده می شود همبستگی بین خشونت فیزیکی و سرسختی ۰/۴۱۶- و همبستگی بین خشونت فیزیکی و طلاق عاطفی ۰/۴۹۳- بدست آمده است همان طور که مشاهده می شود سطح معنی داری در اکثر متغیرها کمتر از ۰/۰۱ می باشد بنابراین بین سبک های حل تعارض، سرسختی و طلاق عاطفی رابطه معنی داری وجود دارد.

مدل یابی معادلات ساختاری و آزمون فرضیه های پژوهش: بطور کلی با تکنیک مدل یابی معادلات ساختاری و به کمک نرم افزار Amos20 فرضیه های پژوهش مورد آزمون قرار گرفته اند. برای نیل به این منظور نخست آزمون نرمال بودن داده ها صورت گرفته است. برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف استفاده شد که نشان دهنده ی توزیع طبیعی تمام متغیرها بود. فرض صفر در این آزمون نرمال بودن توزیع متغیر است. سطح معنی داری آزمون از ۰/۰۵ بیشتر بود در نتیجه فرض صفر پذیرفته شده و در نتیجه توزیع متغیر مورد نظر نرمال بود. به منظور تحلیل عاملی ابتدا از آزمون KMO-Bartlett استفاده شد. با توجه به نتایج می توان مراحل تحلیل عاملی تأییدی را نیز بر روی داده ها به انجام رساند. مقدار بیش از ۰/۷۰ آماره KMO موید کفایت نمونه گیری و سطح اطمینان ۰/۰۲۱ برای آزمون بارتلت نیز نشان دهنده مناسب بودن مدل عاملی مورد استناد می باشد. میزان KMO محاسبه شده برابر ۰/۷۹۰ (بالاتر از ۰/۷۰) می باشد و چون بیشتر از ۰/۷۰ می باشد بنابراین محاسبات نشان دهنده کفایت نمونه گیری است. در نهایت نیز مدل مربوط به فرضیه اصلی و فرضیه های فرعی پژوهش اجرا شده است. مدل اندازه گیری نشان دهنده بارهای عاملی متغیرهای

در این پژوهش به منظور بررسی مناسب مدل از شاخص‌های مربوط به برازش مدل ارائه شده در جدول ۲ استفاده شد.

عنوان شاخص	مقدار	نتیجه	
χ^2/df	۲/۰۹۳	تأیید مدل	مجذور کای بر درجه آزادی
RMSEA	۰/۰۲۹	تأیید مدل	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب
RMR	۰/۱۲۴	تأیید مدل	ریشه میانگین مربعات باقیمانده
GFI	۰/۹۱۰	تأیید مدل	نیکویی برازش
AGFI	۰/۹۲۳	تأیید مدل	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده
NFI	۰/۹۴۵	تأیید مدل	شاخص برازش هنجار شده (بنتلر - بونت)
CFI	۰/۹۱۶	تأیید مدل	شاخص برازش تطبیقی
IFI	۰/۹۰۲	تأیید مدل	شاخص برازش افزایشی

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان ادعان کرد تمامی شاخص‌های برازندگی مدل فوق در دامنه قابل قبول قرار گرفته و بنابراین تناسب داده‌های گردآوری شده با مدل مطلوب است. لذا برازندگی مدل نهایی سرسختی مورد تأیید می‌باشد. در کل با توجه به همه شاخص‌ها می‌توان گفت مدل از برازش مناسبی برخوردار است. در نتیجه اصلاح اکثر شاخص‌ها بهبود یافتند. خلاصه نتایج بدست آمده از فرضیات پژوهش در جدول ۴ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود با توجه به برازش مدل بدست آمده کلیه فرضیه‌های پژوهش مورد پذیرش قرار گرفت.

مدل کلی	X2/df	RMSEA	NFI	CFI	IFI	RFI	PRATIO	PNFI	PCFI
میزان قابل قبول	< ۲	< ۰/۰۵	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۵۰	> ۰/۵۰	> ۰/۵۰
مقادیر محاسبه شده	۱/۴۷۹	۰/۰۴۵	۰/۹۸۶	۰/۹۹۵	۰/۹۹۵	۰/۹۲۵	۰/۱۹۰	۰/۱۸۸	۰/۱۹۰

ارتباط کلی متغیرهای پژوهش	نسبت بحرانی	سطح معناداری	ضریب استاندارد	نتایج فرضیه‌ها
استدلال <---	۳/۸۱	۰/۰۰۰۱	-۰/۲۴	پذیرش در سطح اطمینان ۹۵٪
استدلال <---	۶/۹۵	۰/۰۰۰۱	۰/۴۲	پذیرش در سطح اطمینان ۹۵٪
خشونت کلامی <---	۴/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۳۱	پذیرش در سطح اطمینان ۹۵٪
خشونت کلامی <---	۲/۳۶	۰/۰۴۲	۰/۱۲	پذیرش در سطح اطمینان ۹۵٪
خشونت فیزیکی <---	۷/۲۶	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳	پذیرش در سطح اطمینان ۹۵٪
خشونت فیزیکی <---	۳/۰۲۲	۰/۰۰۰۱	-۰/۲۸	پذیرش در سطح اطمینان ۹۵٪
سخت‌رویی <---	۳/۳۶۵	۰/۰۰۱	-۰/۲۳	پذیرش در سطح اطمینان ۹۵٪

بحث و نتیجه‌گیری

طلاق عاطفی مهمترین عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادی‌ترین بخش جامعه، یعنی خانواده است. این پژوهش با هدف بررسی نقش میانجی گر سرسختی روانشناختی در ارتباط بین سبک‌های کنترل تعارض و طلاق عاطفی در زوجین شهر کرمانشاه انجام شد. یکی از مهمترین آسیب‌های خانوادگی طلاق است، اما آمار رسمی طلاق به‌طور کامل نشان دهنده‌ی میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آماری بزرگتر به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد، یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند در واقع برخی ازدواج‌ها که با طلاق پایان نمی‌یابند، به ازدواج

های توخالی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند (استیل و کید، ۱۳۸۸). عوامل مختلفی در خانواده می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد طلاق عاطفی شوند مانند ضعف در کنترل تعارض خانواده، عدم تأمین نیازهای عاطفی که به دلیل فقدان محبت یا عدم ابراز محبت بوده است، به صورت‌های متنوعی مطرح شده است که همگی منجر به سرد شدن رابطه‌ی زن و مرد و گسست عاطفی شده است. در مواردی فقدان محبت و عاطفه از سوی مرد و علاقه‌ی یک طرفه زن به همسرش از ابتدای زندگی مشترک و تبدیل تدریجی آن به نفرت وجود داشته است. در مواردی عدم ابراز محبت کلامی و رفتاری مورد انتظار زن به دلیل نگرش متفاوت زن و مرد در زمینه‌ی ابراز محبت، بیان شده است.

رویدادهای تنش‌زا هستند این پژوهشگران دریافته‌اند که افراد سخت‌رو به علت استفاده از روش‌های مقابله‌ای فعال و مؤثر، بهزیستی بالاتری دارند. توانایی مقابله با تنیدگی و تفسیر مجدد تجارب آزارنده برای کاهش یا تعدیل اثرات منفی ناشی از آنها، از خصوصیات افراد سخت‌رو است. افرادی که بیشتر از سبک مقابله مسئله‌مدار بهره می‌برند در واقع رفتارهای را برای بازسازی دوباره مسئله از نظر شناختی و یا تغییر موقعیت تنیدگی‌زا به کار می‌برند بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سرسختی روانشناختی بالا می‌تواند از بروز طلاق عاطفی جلوگیری کند و هر چه سرسختی روانشناختی افراد بالاتر باشد کمتر دچار طلاق عاطفی می‌گردند.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد بین سبک‌های کنترل تعارض و طلاق عاطفی زوجین شهر کرمانشاه رابطه معنی داری وجود دارد. این یافته با یافته‌های هاشمی و اصغری ابراهیم آباد (۱۳۹۵)، بهاری (۱۳۹۴)، معین و همکاران (۱۳۹۰)، خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۶)، ساموهانو (۲۰۱۳)، موسای، توسلی و مهرارا (۲۰۱۱) و آونگ ادواردز و برگمن (۲۰۰۶) همسو می‌باشد.

طلاق عاطفی متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است و طی آن همسران به جای حمایت از همدیگر در جهت آزار و ناکامی و تنزل حرمت خود یکدیگر عمل کرده و هریک به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد دیگری هستند، در ازدواج‌های موفق در تفاوت با مفهوم ارائه شده از طلاق عاطفی، تبادل و ارضای متقابل نیازهای صمیمیت زوجین در حد قابل قبول و انتظار موجب تحکیم روابط محبت آمیز بین آنها می‌شود، تا آنجا که می‌توان گفت یکی از اصول در ازدواج‌های موفق، ایجاد صمیمیت زوجین است (وولگستونگ و نبرگ، اکسلوز و لند کویست، ۲۰۱۰).

نتایج نشان داد بین سبک‌های کنترل تعارض و سخت‌روی زوجین شهر کرمانشاه رابطه معنی داری وجود دارد که با نتایج محققین گذشته (بهاری، ۱۳۹۴؛ اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۳؛ خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۶) که پژوهش‌های همسویی انجام داده هم راستا می‌باشد.

با توجه به بنیان‌های نظری می‌توان گفت همان‌طور که پژوهش‌های آونگ ادواردز و برگمن (۲۰۰۶) نشان داد ویژگی سخت‌روی روانشناختی با ایجاد مقاومت در برابر تنیدگی و راهبردهای مقابله‌ای مناسب باعث افزایش امید در افراد می‌شود که این امر بیانگر سازگاری بیشتر افراد امیدوار با تنیدگی و توانایی تعدیل

نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان داد نقش سرسختی روانشناختی در ارتباط با سبک‌های حل تعارض زوجین شهر کرمانشاه معنی دار است. یافته‌های این بخش از پژوهش درباره رابطه بین سبک‌های حل تعارض سازنده (استدلال) با سرسختی روانشناختی با نتایج پژوهش‌های آزادی، سهامی، قهرمانی و قلی پور (۱۳۸۹)، قراچه، آزادی و افراسیابی (۱۳۹۰)، کریمی، کرمی و دهقان (۱۳۹۳)، نادری و همکاران (۱۳۹۴)، پراجر و همکاران (۲۰۱۵) و توسینت و همکاران (۲۰۱۵) همسو می‌باشد، این پژوهش‌ها به منظور بررسی تأثیر آموزش الگوهای سالم ارتباطی و حل تعارض صورت گرفته است از طرفی این پژوهش‌ها نیز بر این موضوع تأکید می‌کنند که آموزش مهارت‌های لازم جهت حل تعارضات زناشویی در بهبود روابط متقابل زن و شوهر مفید است.

در واقع مهارت حل تعارض زناشویی بر بهبود روابط متقابل زن و شوهر تأثیرگذار بوده است و همین امر باعث می‌شود زن و شوهر نسبت به رفتار یکدیگر صبورتر باشند و با آرامش بیشتری مسائل را حل کنند در واقع این امر نشان می‌دهد سرسختی روانشناختی این افراد بالاتر است، این افراد به چالش‌ها خوش آمد می‌گویند و احساس و نگرش‌شان به فعالیت‌ها و تغییرات در نظم زندگی را، فرصتی برای رشد بیشتر می‌دانند (دیلون و همکاران، ۲۰۱۵)، می‌توان گفت افرادی که از سخت‌روی بالایی برخوردارند به سادگی در برابر اعمال و رفتار خود احساس تعهد کرده و عقیده دارند که رویدادهای زندگی قابل کنترل و پیش‌بینی هستند، این افراد تغییر در زندگی و انطباق با آن را نوعی مبارزه برای رشد بیشتر در زندگی در نظر می‌گیرند نه تهدیدی برای امنیت خود.

همچنین یافته‌های دیگر پژوهش نشان داد نقش سرسختی روانشناختی در ارتباط با طلاق عاطفی زوجین شهر کرمانشاه معنی دار است که با نتایج محققین گذشته اکبری (۱۳۹۵)، صادقی، موسوی، موتابی و دهقانی (۱۳۹۴)، بهاری (۱۳۹۴)، اعتمادی و همکاران (۱۳۹۳) و خدایاری فرد، شهابی و اکبری زردخانه (۱۳۸۶) که پژوهش‌های همسویی انجام داده هم راستا می‌باشد.

با توجه به بنیان‌های نظری می‌توان گفت همان‌طور که پژوهش‌های آونگ ادواردز و برگمن (۲۰۰۶) نشان داد ویژگی سخت‌روی روانشناختی با ایجاد مقاومت در برابر تنیدگی و راهبردهای مقابله‌ای مناسب باعث افزایش امید در افراد می‌شود که این امر بیانگر سازگاری بیشتر افراد امیدوار با تنیدگی و توانایی تعدیل

شود و تبلیغاتی گسترده‌ای در این خصوص از طریق رسانه‌های عمومی صورت گیرد.

منابع

- ارجمند سیاهپوش، اسحق و پیرامون، ندا (۱۳۹۳). بررسی آسیب شناختی طلاق عاطفی از دید زنان (۲۰ تا ۳۹ ساله) و پیامدهای آن بر فرزندان ساکن در شهرکت بعثت شهرستان ماهشهر. *نشریه جامعه شناسی مطالعات جوانان*، ۱۴(۵)، ۲۲-۹.
- اعتمادی، عذرا؛ جابری، سمیه؛ جزایری، رضوان السادات و احمدی، احمد (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی مهارت‌های ارتباطی، الگوهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با صمیمیت زناشویی در زنان شهر اصفهان. *فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه*، ۱(۱۷)، ۶۳-۷۴.
- اکبری، بهمن (۱۳۹۵). رابطه نگرش مذهبی با سبک‌های دلبستگی سرسختی روانشناسی در دانشجویان متقاضی طلاق. *پرستاری و مامایی جامع نگر*، ۲۶(۸۰)، ۸-۱.
- آزادی، شهیندخت؛ سهامی، سوسن؛ قهرمانی، زهرا و قلی‌پور، گلناز (۱۳۸۹). ارزیابی عوامل اجتماعی زمینه‌ساز طلاق عاطفی در میان کارکنان زن شرکت بهره‌برداری نفت گچساران. *فصلنامه زن و بهداشت*، ۱(۳)، ۱۱۷-۱۰۱.
- استیل، لیز و کید، وارن (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی مهارتی خانواده*. ترجمه: سیدان، فریبا و کمالی، افسانه. انتشارات دانشگاه الزهرا (س). تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۱.
- بشارت‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۴). بررسی تأثیر هوش هیجانی بر کیفیت روابط اجتماعی. *فصلنامه مطالعات روانشناختی*، ۱(۲)، ۳۸-۲۵.
- بهراری، زهرا (۱۳۹۴). نقش سبک زندگی در رضایت زناشویی زوجین. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، ۶(۲۲)، ۱۴۵-۱۲۵.
- بهینه، فهیمه (۱۳۹۳). طلاق عاطفی و مقایسه آن با سایر طلاق‌ها، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی، قم، انجمن علمی پدافند غیرعامل ایران، شرکت پنام خط نوین.
- پروندی، علی؛ عارفی، مختار و مرادی، اسما (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین در پیش‌بینی رضایت زناشویی. دو *فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، ۲(۱)، ۶۵-۵۴.
- خدایاری‌فرد، محمد؛ شهابی روح‌اله و اکبری زردخانه، سعید (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل. *خانواده پژوهی*، ۱۰، ۶۲۰-۶۱۱.
- دیباچی‌فروشان، فاطمه؛ امامی‌پور، سوزان و محمودی، غلامرضا (۱۳۸۸). رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایت

رویدادهای تنش‌زا هستند این پژوهشگران دریافته‌اند که افراد سخت‌رو به علت استفاده از روش‌های مقابله‌ای فعال و مؤثر، بهزیستی بالاتری دارند. توانایی مقابله با تنیدگی و تفسیر مجدد تجارب آزارنده برای کاهش یا تعدیل اثرات منفی ناشی از آنها، از خصوصیات افراد سخت‌رو است. افرادی که بیشتر از سبک مقابله مسئله‌مدار بهره می‌برند در واقع رفتارهای را برای بازسازی دوباره مسئله از نظر شناختی و یا تغییر موقعیت تنیدگی‌زا به کار می‌برند.

همچنین نتایج نشان داد بین سخت‌رویی و طلاق عاطفی زوجین شهر کرمانشاه رابطه معنی‌داری وجود دارد. شواهد متعددی وجود دارند که نشان می‌دهند سخت‌رویی می‌تواند یک اندازه‌ی قابل پیش‌بینی از سازگاری و صمیمیت زناشویی باشد برای نمونه دانکن (۲۰۰۸) دریافت که سخت‌رویی منجر به سازگاری می‌شود و یا به بیان دیگر، از روی سرسختی روانشناختی امکان پیش‌بینی سازگاری زناشویی افراد وجود دارد زیرا افراد سرسخت حوادث زندگی را کمتر فشارزا می‌بینند؛ بنابراین، می‌توانند سازگاری مؤثرتری با زندگی داشته باشند. این یافته‌ها همچنین با تحقیقات توسینت و همکاران (۲۰۱۵) که معتقدند تعهد در همسران به طور مثبت با ثبات و کیفیت زناشویی مرتبط است و همچنین به طور مثبت با بیان عشق و سازگاری و کاهش تعارضات زناشویی مرتبط است، همسو می‌باشد.

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به ابزار پژوهش اشاره کرد، ابزار پرسشنامه خود محدودیت‌هایی در نتایج پژوهش دارد که با خطای عدم صداقت در پاسخ‌دهی و یا پاسخ‌دهی بر اساس احساسات لحظه‌ای شرکت‌کننده‌ها مواجه می‌شود. در پایان پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی رابطه بین مهارت‌های زوجی و سبک‌های حل تعارض با دیگر متغیرها از جمله کیفیت زندگی، سلامت روانی بررسی گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد با توجه به رابطه معنی‌دار بین سرسختی روانشناختی و سبک‌های کنترل تعارض با طلاق عاطفی کارگاه‌های آموزشی و کارگاه‌های زوج درمانگری برای زوجین برگزار گردد تا از این آموزش‌ها در جهت افزایش هرچه بیشتر صمیمیت زناشویی و کاهش دلزدگی استفاده شود. پیشنهاد می‌گردد آموزش زوج درمانگری به صورت رایگان با همکاری سازمان بهزیستی و انجمن‌های روانشناسی برای عموم برگزار گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود مطالب آموزشی و نتایج این پژوهش در قالب برنامه‌های آموزشی از طریق رسانه‌های رادیویی و تلویزیونی اجرا

- Dillon, L., Nowak, N., Weisfeld, G., Weisfeld, C., Shattuck, K., Imamoglu, O., Butovskaya, M., & Shen, J. (2015). Sources of Marital Conflict in Five Cultures. *Evolutionary Psychology, 13*(1), 1-15.
- Duncan, G.D. (2008). *The Relationship Between Trait forgiveness and Marital Adjustment in Heterosexual Individuals and Published Doctoral Dissertations*, capella, university.
- Moore D, & Schultz NR Jr. (1983). Loneliness and adolescence: Correlations, attributions and coping. *Journal of Youth and Adolescence, 12*(2), 95-100.
- Musai, M., Tavasoli, G., & Mehrara, M. (2011). The relationship between divorce and economic-social variables in Iran. *British Journal of Arts and Social Sciences, 1*(2), 89-93.
- Ong, A. D., Edwards, L.M., & Bergemen, C.S. (2006). Hope as a source of resilience in later adulthood. *Journal of Personality and Individual Differences, 41*, 1263-1273.
- Prager, K., Shirvani, F., Poucher, J., Cavallin, G., Truong, M. & Garcia, J. (2015). Recovery from conflict and revival of intimacy in cohabiting couples. *Personal Relationships, 22*(2), 308-334.
- Somohano, V. C. (2013). *Mindfulness, attachment style and conflict resolution behaviors in romantic relationships* (Doctoral dissertation, Humboldt State University).
- Stewart, M. R. (2012). The Impact of Length of Relationship on Conflict Communication and Relationship Satisfaction in Couples. *Graduate Theses and Dissertations, 12474*.
- Toussaint, L., Worthington, E., & Williams, D. R. (Eds.). (2015). *Forgiveness and Health: Scientific Evidence and Theories Relating Forgiveness to Better Health*. New York: Springer.
- Volgston, H, Vanberg, S, Ekselius, A, & Lundkvist, O. (2010). Sundstom poeomaa. Risk factor for psychiatric disorder infertile women and men undergoing in vitro fertilization treatment. *Fertile Steril, 93*(4), 1088-1099.
- مندى زناشویی زنان. *مجله اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، ۱۱(۱)، ۱۰۱-۸۷.
- سبزه‌علی‌زاده، حمیده؛ بادامی، رخساره و نزاکت‌الحسینی، مریم (۱۳۹۳). رابطه عملکرد خانواده با استحکام ذهنی در ورزشکاران پارالمپیک. *مجله مطالعات روانشناسی ورزشی*، ۹(۹)، ۱۰-۱.
- صادقی، منصوره‌السادات؛ موسوی، جمال؛ موتابی، فرشته و دهقانی، محسن (۱۳۹۴). رابطه تشابه ویژگی‌های شخصیتی زوجین و رضایت زناشویی. *مجله روانشناسی معاصر*، ۲(۲۰)، ۸۲-۶۷.
- صفایی‌راد، سوری و وارسته‌فر، افسانه (۱۳۹۰). رابطه بین تعارض‌های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه کننده به دادگاه‌های شرق تهران. *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۵(۲۰)، ۱۰۶-۸۵.
- عارفی، مختار و محسن‌زاده، فرشاد (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس ارتباط و صمیمت جنسی. *مشاوره و روان درمانی خانواده*، (ویژه نامه خانواده و طلاق)، ۱(۲)، ۵۳-۴۳.
- قراچه، مریم؛ آزادی، شهیندخت و افراسیابی، اردشیر (۱۳۹۰). بدرفتاری همسر و کیفیت زندگی زنان متأهل. *فصلنامه اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، ۵(۱۹)، ۶۴-۵۵.
- کریمی، پروانه؛ کریمی، جهانگیر و دهقان، فاطمه (۱۳۹۳). رابطه سبک‌های دلبستگی و سبک‌های حل تعارض با فرسودگی زناشویی کارکنان متأهل. *مجله زن و جامعه (جامعه‌شناسی سابق)*، ۴(۲۰)، ۷۰-۵۳.
- لطیفیان، مریم؛ عرشی، ملیحه و اقلیما، مصطفی (۱۳۹۶). ارتباط اعتیاد به اینترنت با طلاق عاطفی در زنان متأهل شهر تهران در سال ۱۳۹۵. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ۱۶(۶)، ۵۲۸-۵۱۷.
- معین، لادن؛ غیائی، پروین و مسموعی، راضیه (۱۳۹۰). رابطه‌ی سخت رویی روانشناختی با سازگاری زناشویی. *فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، ۲(۴)، ۱۸۹-۱۶۳.
- نادری، حسین؛ پورشه‌ریار، حسین و شکری، امید (۱۳۹۴). میانجی‌گری سبک‌های کنترل تعارض، در رابطه فضایل و رضایت زناشویی. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۱۱(۴۴)، ۴۳۸-۴۱۷.
- هاشمی، سیده فاطمه و اصغری ابراهیم‌آباد، محمدجواد (۱۳۹۵). نقش سواد عاطفی در پیش‌بینی طلاق عاطفی با میانجی‌گری حل تعارض. *فصلنامه آموزش، مشاوره و روان‌درمانی*، ۵(۱۷)، ۷۲-۵۹.
- Amato, Paul R. & Stacy J. Rogers. (1997) A Longitudinal Study of Marital Problems and Subsequent of Divorce. *Journal of Marriage and the Family, 59*(3), 612-624.
- Cornelius, Tara L., Alessi, Galen., & Shorey, Ryan C. (2007). The Effectiveness of Communication Skills Training With Married Couples: Does the Issue Discussed Matter?. Peer Reviewed Articles. *The Family Journal, 15*(2), 124-132.